

قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی

علی اصغر هادوی نیا^۱

بهنام عرب بافرانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱۵

چکیده

یکی از آموزه‌هایی که در اسلام بر آن تأکید فراوان شده، مسئله قرض و قرض‌الحسنه می‌باشد. از طرفی قرض‌الحسنه یکی از اصول مهم اقتصادی است که دین اسلام برای آن اهمیت فراوانی قائل شده است. قرض‌الحسنه با مشخصه‌های خاصی نظیر اخلاص، بدون ربا بودن، از مال حلال قرض دادن و بدون منت بودن، شناخته می‌شود. قرض دادن آثار اجتماعی موثری مانند اصلاح جامعه، ایجاد الفت و کاهش روح تکاثر ورزی را به همراه دارد. پرسش اصلی این است که قرض‌الحسنه در اقتصاد اسلامی از چه جایگاهی برخوردار است؟ جهت تعیین جایگاه قرض‌الحسنه در اقتصاد اسلامی، سه مسیر اصلی طی شده است. اولین مسیر بررسی ویژگی‌های اصلی قرض‌الحسنه می‌باشد. در این مسیر، ساختار انگیزشی قرض‌گیرنده و قرض‌دهنده مورد بررسی قرار گرفته است. دومین مسیر، آشنایی با آداب قرض‌الحسنه است و سومین، مسیر بررسی رابطه قرض با دیگر عقود می‌باشد. روش بررسی به صورت توصیفی - تحلیلی است.

واژه‌های کلیدی: قرض، قرض‌الحسنه، ربا، اقتصاد اسلامی

طبقه بندی JEL: P52, E44, G19

1- alihadavinia@gmail.com

۱- استادیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

2- bafrani.sangar@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

مقدمه

قرض، به عنوان یک عقد، از احکامی ویژه برخوردار است و دین، ضمن امضای این قرار داد عقلایی، اموری چون عدم ربا را شرط درستی آن دانسته است. قرض الحسنه نیز، از نظر فقهی و حقوقی، در شمار عقد قرض جای دارد و از احکام آن بهره می‌برد؛ ولی بستر تحقق آن ویژگی‌هایی دارد که آن را از دیگر موارد قرض جدا می‌سازد. هدف الهی داشتن وام دهنده و توجه او به پاداش آن جهانی و نیز پرهیز از وام گرفتن برای نیازهای غیر ضروری بخشی از این ویژگی‌هاست. بنابراین، هر چند "قرض الحسنه"، از نظر فقهی و حقوقی دارای ارکان "قرض" است؛ ولی خصوصیتی دارد که شناخت آن می‌تواند ضمن آشکار ساختن تفاوت "قرض" و "قرض الحسنه"، ما را در تحلیل آثار این رفتار یاری کند.

۱. ادبیات تحقیق

در کتب فقهی و حقوقی در بحث‌های قرض و دین با استناد به آیات و روایات، موضوع قرض الحسنه مورد بحث قرار گرفته است که اغلب به قرض‌های غیر متمرکز بین افراد توجه دارد، اما در چند دهه اخیر با فعالیت مراکز متعددی که به طور رسمی متولی این امر مقدس شده‌اند، به نظر می‌رسد که هنوز توجه درخور و شایسته‌ای به آن نشده است. در سال‌های اخیر برخی با عنایت به اینکه از لحاظ نظری کار شایسته‌ای صورت نگرفته است، جنبه نظری آن را مد نظر قرار داده‌اند، که در این میان می‌توان به کتاب "ربا و قرض در اسلام" نوشته محمد حسین ابراهیمی اشاره کرد. در مقابل عده‌ای جنبه‌ی نظری آن را به دیگران واگذار کرده و به بررسی واقعیات موجود و تاثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته‌اند، که پایان نامه علی عسگری با عنوان "بررسی نقش و اثرات صندوق‌های قرض الحسنه در سیستم پولی و بانکی کشور" از آن جمله است. بعضی هم به عنوان تعیین جایگاه قرض الحسنه در نظام اقتصادی اسلام و اثرات اقتصادی آن در راستای ایجاد ارتباط بین دو نوع ادبیات موجود تلاش نموده‌اند، که از این میان می‌توان به پایان نامه علی اصغر هادوی نیا با عنوان "درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن" اشاره کرد. در ادامه به سایر تلاش‌های صورت گرفته در مبحث قرض الحسنه می‌پردازیم.

سید عباس موسویان در مقاله‌ای با عنوان طرحی برای ساماندهی صندوق‌های قرض الحسنه با تقسیم صندوق‌های قرض الحسنه به سه گروه صندوق‌های محلی، کوچک و بزرگ، طرحی را برای ساماندهی آن ارائه می‌کند (موسویان، ۱۳۸۳: ۳۶) محمد جواد محقق نیا در مطالعه‌ای با عنوان "بررسی جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران" که به روش تحلیل داده‌های بانکی انجام گرفته، نشان می‌دهد که در ۲۵ سال اخیر از طرفی بطور متوسط تنها کمی

بیش از نیمی از منابع قرض الحسنه به اعطای قرض الحسنه اختصاص یافته است. از طرف دیگر سهم سپرده‌ها و تسهیلات قرض الحسنه نیز بطور پیوسته کاهش یافته است. وی حل این مشکل را در سایه مشارکت فعال بانک‌ها، بانک مرکزی، دولت و مردم می‌داند و در این راستا اقداماتی را چون: اختصاص تمامی منابع قرض الحسنه به پرداخت قرض الحسنه و کاهش نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های قرض الحسنه، موجب احیای جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکی کشور می‌داند (محقق‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۱) اکبر کمیجانی در مقاله‌ی خود با عنوان درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و آثار اقتصادی آن، سعی دارد با استفاده از منابع فقهی، روایی و تفسیری، ماهیت قرض الحسنه را مورد توجه قرار دهد. وی همچنین بیان می‌دارد که قرض الحسنه در تامین اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی، مصرف، پس انداز و توزیع درآمد نقش بسزایی دارد (کمیجانی، ۱۳۷۷: ۲۳۴) ابوالقاسم توحیدی‌نیا در مقاله‌ای با عنوان جذب سپرده قرض الحسنه به کمک ابزار مالی اسلامی (صکوک) نشان داده است که چگونه بانک قرض الحسنه با نقش آفرینی در یکی یا بیشتر از اجزاء و ارکان اساسی صکوک می‌تواند بر مشکل نقدینگی خود فائق آمده و اسباب توسعه قرض الحسنه را فراهم آورد (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

۲. روش تحقیق

روش بررسی به صورت توصیفی، تحلیلی است.

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. قرض و قرض الحسنه و تفاوت آن دو

قرض: به معنای بریدن و قطع کردن است و مالی را که به دیگری داده می‌شود به شرط بازگرداندن (عین یا بدل آن) قرض می‌خوانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ماده قرض) گوینا قرض‌دهنده، آن مال را از بقیه احوالش بریده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۵۸۳)

قرض الحسنه: در قرآن کریم، واژه «حسن» صفت قرض الحسنه قرار گرفته است؛ حسن یعنی زیبا و نیکو (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۳۵) و قرض نیکو آن است که از مال حلال باشد و آن را با منت گذاردن و اذیت، ضایع نکند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۰۸)

از نظر اصطلاح: قرض به عنوان یکی از عقود اسلامی در قسمت ابواب معاملات کتب فقهی مطرح است که تعاریف مختلفی برای آن بیان فرموده‌اند که از مجموع آن‌ها چنین استفاده می‌شود که معنای اصطلاحی قرض یعنی مالی را به ملک دیگری در آوردن یا ضامن شدن عوض آن مال و اما عقد قرض دارای دو طرف می‌باشد؛ مقرض یا وام‌دهنده که قبول از طرف او منعقد می‌گردد و

مقترض یا وام گیرنده که ایجاب از طرف او منعقد می‌گردد و لازم نیست به عربی خوانده شود و به فارسی هم کفایت می‌کند و لکن الفاظ باید به گونه‌ای باشد که قصد مقرض و مقترض را برساند و البته علما معتقدند که قرض به صورت معاطاتی نیز واقع می‌شود و صحیح است چنانچه صاحب جواهر فرمودند: «فالظاهر دخول المعاطاه فيه بناء على دخولها في غيره بل هو اولى من البيع و غيره بذلك و السيره فيه اتم» پس ظاهر آن است که معاطات در قرض نیز جاری می‌شود، چنانچه در غیر از عقد قرض هم واقع می‌شود بلکه معاطاتی واقع شدن عقد قرض نسبت به بیع و غیر از آن اولویت دارد و سیره در مورد معاطاتی واقع شدن تمام است. (نجفی، ۱۳۹۴: ۲)

قرض الحسنه در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، معنایی جامع دارد که شامل قرض الحسنه فقهی نیز می‌شود. زیرا از منظر قرآن کریم هر کار خیری که انسان برای خدا انجام دهد، قرض الحسنه برای اوست؛ خواه عبادت اصطلاحی باشد مانند: نماز و روزه یا انفاق مالی یا کارهای خدماتی و عام المنفعه باشد: مانند مسجد و مدرسه سازی، یا جبهه رفتن و جهاد در راه خدا. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۵۸۷)

۳.۲. ویژگی‌های قرض الحسنه

۳.۲.۱. انگیزه وام‌دهنده

وام‌دهنده، بی‌آن که در پی سود باشد، مدتی از تصرف در مال خویش چشم می‌پوشد. در این موقعیت، نخستین پرسشی که به ذهن می‌آید آن است که انگیزه‌ی این رفتار اقتصادی چیست؟ در پاسخ بدین پرسش باید گفت: هر یک از امور زیر می‌تواند وام‌دهنده را بدین کار برانگیزد:

انگیزه اخروی: اولین انگیزه‌ی قرض، که در فرهنگ اسلامی بر آن تأکید شده است، پاداش آن جهانی است.

• **مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْصُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.** (بقره ۲۴۵) کیست که به خدا قرض الحسنه دهد، تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟ خدا تنگدستی دهد و توانگری بخشد و شما به سوی او باز گردانده می‌شوید.

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «در این آیات خدا وجوب جهاد را بیان کرده و به اتفاق و بذل مال برای تجهیزات لشکری و تهیه مهمات و نیروهای لازم دعوت می‌نماید و آن را قرض دادن مال به خدا می‌شمرد زیرا صرف مال در راه خدا است... و در اینجا معنای قرض معروف است و صرف کردن اموال در راه خدا و ام دادن به او شمرده شده زیرا در راه او مصرف می‌شود و چند برابر آن هم به ایشان عوض داده خواهد شد.» (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۴۰۱)

• **إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ** (حدید ۱۸)
خدا به مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده‌ای که به خدا قرض‌الحسنه می‌دهند، دو چندان پاداش می‌دهد و نیز آن‌ها را اجری نیکوست.

در تفسیر این آیه به این صورت بیان شده: «این آیه‌ی شریفه داستان اجر کریم و مضاعف را دوبار خاطر نشان کرد تا به این وسیله نیز ترغیب در راه خدا کرده باشد و در سابق انفاقگران را قرض‌دهندگان به خدا می‌خواند و در این آیه‌ی شریفه نیز صدقه‌دهندگان را چنین نامیده.» (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۳۳۴)

• **مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ** (۱۱ حدید) کیست که خدا را قرض‌الحسنه دهد تا برای او دو چندانش کند و او را پاداشی نیکو باشد.

در میزان در مورد معنای قرض در این آیه چنین آمده: در آیه‌ی مورد بحث تشویقی بالغ به اتفاق در راه خدا شده که مافوق آن تصور ندارد چون از یک سو سوال کرده که آیا کسی هست که چنین قرضی به خدا دهد و از سوی دیگر انفاق او را قرض دادن به خدای سبحان نامیده که پرداخت آن بر قرض گیرنده واجب است. (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۳۱۹)

• **إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفْهُ لَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ** (تغابن ۱۷).
اگر به خدا قرض‌الحسنه دهید برایتان دو برابرش خواهد کرد و شما را می‌آمزد که او شکر پذیرنده و بردبار است. در تفسیر چنین آمده: «منظور از اقراض خدای تعالی انفاق در راه خداست و اگر این عمل را قرض دادن به خدا و آن مال انفاق شده را قرض‌حسن خوانده به این منظور بوده که مسلمین را به انفاق ترغیب کرده باشد.» (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۶۲۲)

• **عن الفضیل قال : قال ابو عبدالله (علیه السلام) : ما من مسلمٍ اقرضَ مسلماً قرضاً حسناً یریدُ به وجهَ الله الا حسبَ له اجرها کحسابِ الصدقه حتی یرجع الیه (عاملی، ۱۹۵۲: ح ۲).**
امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هیچ مسلمانی نیست که قرض دهد مسلمانی را قرض پسندیده و اراده کند به این عمل حضرت حق مگر آنکه پاداش قرض برای او مانند پاداش صدقه محسوب می‌شود تا آنکه برگردانده شود.

• **عن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قال : و من اقرضَ أخاه المسلمَ کانَ له به کل درهمٍ اقرضه وزنُ جبلٍ اُحدٍ و جبالِ رَضوی و طور سینا حسنات و إن رفقَ به فی طلبه تعدتِ به علی الصراطِ کالبَرقِ الخاطفِ اللامعِ به غیر حسابٍ و لاعدابٍ و من شکى الیه أخوه المسلمُ فلم یقرضه حرمَ الله عز و جل علیه الجنة یومَ یجزی المحسنین (عاملی، ۱۹۵۲: ح ۴).**

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس به برادر مسلمانش قرض دهد به ازی هر درهم آن به وزن کوه‌های احد و رضوی و طور سینا حسنات برای او خواهد بود و اگر پس از فرا

رسیدن مهلت با او مدارا کند از پل صراط بدون رسیدگی به حساب چون برق سریع و درخشنده می‌گذرد و هیچ عذابی نمی‌بیند و هر کس که برادر مسلمانش از وی یاری طلبد اما به او قرض ندهد هنگامی که پروردگار نیکان را پاداش می‌دهد بهشت را بر او حرام می‌سازد.

• عن جابر عن ابي عبد الله (عليه السلام) قال : قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) مَنْ أقرضَ مومناً قرضاً ينظرُ بهِ ميسورةً كان له في زكاهِ و كان هو في صلاحِهِ من الملائكةِ حيثُ يوءديه. (عاملی، ۱۹۵۲: ح ۳).

امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: که کسی که به مومنی قرض دهد و منتظر بماند تا توانایی پرداخت را پیدا کند مال او ثواب زکات را دارد و مشمول درود ملائکه است تا هنگامی که بدهکار او وام خود را ادا کند.

یک فرد مسلمان، که با فرهنگ اسلامی زندگی می‌کند، با چنین مفاهیمی آشناست. پس بسیار منطقی است که انگیزه‌ی چنین رفتاری در وی وجود داشته باشد.

انگیزه اخلاقی: یکی از اهداف انسان‌های کامل، به دست آوردن اخلاق پسندیده است. هر چند پیامبر اکرم (ص) برای کامل کردن مکارم اخلاق آمده است ولی کسب اخلاق نیک به اسلام اختصاص ندارد و از اهداف همه‌ی ادیان است. بخل از رذائل اخلاقی است و در برابر آن، سخاوت و بخشش از اخلاق پسندیده به شمار می‌آید. قرض رفتاری است که در سایه‌ی این صفت پسندیده پدید می‌آید. (مجلسی، ۱۳۷۰: ۴۲۴)

قرض از ثمرات سخاوت است، زیرا سخاوتمند راضی می‌شود که به برادر نیازمند خود مقداری از مالش را، تا زمانی که او توانایی بازپرداخت دارد، قرض بدهد؛ چنان که راضی می‌شود مالش را ببخشد، درحالی که این رفتار برای بخیل مشکل به نظر می‌رسد. (نراقی، ۱۳۷۷: ۲۲۸)

انگیزه نوع دوستی: انسان موجودی اجتماعی است و هر اجتماعی به تعاون و هم‌یاری نیازمند است. تعاون امری ضروری است و گرنه افراد به منافع خود نخواهند رسید. البته هر چه سطح این تعاون بالاتر رود، زندگی اجتماعی منسجم‌تر می‌شود. قرض نیز نوعی تعاون اجتماعی است که می‌تواند از حسن نوع دوستی افراد سرچشمه بگیرد. (قباچی، ۱۳۶۵: ۲۷۰)

پس‌انداز: از نظر روان‌شناسی، می‌توان گفت: هر فرد به پس‌انداز بخشی از درآمد خود گرایش دارد. چنان که در آینده اشاره خواهد شد، با ارائه‌ی تحلیلی از رفتار یک فرد در مورد پس‌انداز، قرض را نوعی پس‌انداز فردی به شمار آورد.

جایزه: قرض‌دهندگان از نظر انگیزه و شرایط اقتصادی متفاوتند. می‌توان، با توجه به آنچه در آینده متذکر می‌شویم، جایزه یا پرداخت اضافی داوطلبانه در قرض قرار داد. این امر نه تنها ممنوع نیست، بلکه در روایات مورد سفارش واقع شده است. (عبداللهی، ۱۳۷۱: ۲۸۱) پس می‌توان با تعیین جایزه

به شیوه‌های مختلف انگیزه‌ی قرض دادن را در مردم تقویت کرد. البته این امر شرط‌هایی دارد که در آینده خواهد آمد.

چنان که پیداست انگیزه‌ی اول صرفاً اخروی است؛ انگیزه‌های دوم و سوم معنوی و انگیزه‌های چهارم و پنجم مادی مشروع شمرده می‌شود. در بینش اسلامی، هر چه انگیزه‌ی قرض‌دهنده به اولین انگیزه نزدیک‌تر شود، به "قرض حسن" نزدیک‌تر شده است. از نظر اجتماعی نیز ایجاد هر کدام از آن‌ها شیوه‌ی خاصی از تبلیغات را می‌طلبد.

۲.۲.۲. انگیزه وام گیرنده

نیازمند بودن وام‌گیرنده، در قرض‌الحسنه اصلی مهم است. چنان که پیش‌تر اشاره شد، در فرهنگ اسلامی قرض گرفتن، اگر برای رفع نیازهای ضروری نباشد، امری ناپسند شمرده شده است. (ر.ک: قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن، ص ۵۰) روایات، قرض گرفتن بدون نیاز و اضطرار را ناپسند می‌دانند چرا که برخلاف منش و عزت نفس انسانی است. چون فرد مقروض خود را در مقابل طلبکار کوچک می‌بیند علاوه بر این، آسایش روحی و تمرکز فکر خود را از دست خواهد داد. چنان که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «یاکم والددین فانه مذلةً بالنهار و مهممةً باللیل» (عاملی، ۱۹۵۲: ۷۷) «بپرهیزید از قرض که آن موجب ذلت در روز و غم و ناراحتی در شب است.» و بالاتر از آن پیغمبر اکرم می‌فرماید: «از قرض گرفتن بپرهیزید چون موجب خواری دین می‌شود» (عاملی، ۱۹۵۲: ۷۷) قرض گرفتن، اگر با نیاز همراه نباشد، مکروه است و هر چه بر نیاز فرد افزوده شود، از کراهت آن کاسته می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۶۵: ۶۰۲) قرض گرفتن مکروه {و ناپسند} است مگر زمانی که ضرورتی آن را لازم سازد. پس، در صورت اختیار، وام گرفتن شایسته نیست. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۳۰۴)

البته این نیاز ضروری نباید ریشه در کم‌کاری و سستی فرد داشته باشد. انسان باید به اندازه‌ی کافی تلاش کند؛ ولی چنانچه کوشش‌هایش به عللی به رفع نیازهای ضروری‌اش نینجامد، می‌تواند قرض بگیرد. کسی که در پی روزی حلال برود، اما در زندگی درمانده شود، خوب است وام بگیرد. خدا و رسول او را (در بازپرداخت آن) یاری خواهند داد. (عاملی، ۱۹۵۲: ۸۱) امام کاظم (ع) فرمود: «کسی که کوشش برای امور زندگی کند، راه به جایی نبرد طلب قرض کند، آن چنان که بر دین خدا و رسولش باشد.» (عاملی، ۱۹۵۲: ۸۱) این نکته باعث می‌شود که افراد جامعه راه‌های طبیعی رفع نیاز را فراموش نکنند و اندیشه‌ی زندگی از راه قرض را در سر نپرورانند. زیرا اسلام قرض را تعاون و یاری می‌داند نه شغل یا معامله. (قباچی، ۱۳۶۵: ۲۸۲) عوامل مختلفی می‌تواند سبب ضرورت نیاز انسان شود. بخشی از این عوامل عبارت است از:

۱- عامل تکوینی که سبب نیاز به غذا و دارو... می‌شود.

۲- عامل تشریحی (اموری که شارع واجب کرده است، مانند حج) که نیازهایی ضروری را در انسان پدید می‌آورد.

۳- عامل اجتماعی (زیستن در جامعه) که به نیازهایی می‌انجامد و با توجه به جایگاه اجتماعی انسان تعدادی از آنها ضرورت خاص می‌یابد.

روایات ائمه اطهار (ع) نشان می‌دهد که قرض در تمام موارد فوق ممکن است: از امام صادق (ع) درباره کسی که قرض گرفته و به حج رفته است، پرسیده شد. امام (ع) فرمود: درست است. همچنین درباره کسی که برای ازدواج قرض گرفته است، پرسیدند. امام (ع) فرمود اشکال ندارد. همانا چنین کسی {برای دادن بدهی‌اش} روز و شب {پس از تلاش} منتظر روزی خداوند است. (شیخ صدوق، ۳۸۱: ۱۸۲) البته توجه به دو نکته مهم ضروری است:

۱- ملاک یاد شده نشان می‌دهد که موارد قرض الحسنه بیش‌تر امور مصرفی است و چنان که اشاره خواهد شد، در امور تولیدی کم‌تر از آن استفاده می‌شود.

۲- رفع نیازهای ضروری یک فرد، به مبالغ هنگفت، که معمولاً در امور تولیدی مطرح است، نیاز ندارد. بدین سبب قرض الحسنه در مبالغ درشت از مطلوبیت کم‌تری برخوردار است. (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۲۸)

"ضروری بودن نیاز وام‌گیرنده"، یکی از اصول قرض الحسنه است و رابطه‌ی آن با دیگر نهادهای نظام اسلامی را مشخص می‌سازد. توضیح بیش‌تر این مطلب در آینده خواهد آمد. افزون بر این، اگر وام دهنده را عرضه‌کننده‌ی وام و قرض‌گیرنده را متقاضی معرفی کنیم، توجه به این اصل جامعه را از حالت مازاد تقاضا دور و به تعادل نزدیک می‌سازد.

این اصل در مورد تعیین کارآمدی فعالیت‌هایی که با عنوان قرض الحسنه انجام می‌گیرد، نقشی مهم دارد؛ زیرا هر چه قرض به ضروری‌ترین نیازهای جامعه و نیازمندترین افراد جامعه تعلق گرفته باشد، آن فعالیت به اهداف قرض الحسنه نزدیک‌تر است و بهتر عمل کرده است.

۳.۳. قرض الحسنه و طلب سود

حرمت ربا از احکام تردید ناپذیر اسلام و بلکه همه‌ی ادیان آسمانی است. ربای قرضی یکی از انواع ربا شمرده می‌شود. در ربای قرضی، وام دهنده، مال خود را به شرط دریافت سود قرض می‌دهد. (ر.ک: قرض الحسنه و آثا اقتصادی آن، ص ۵۵-۵۲) علما ربا را به دو نوع تقسیم می‌کنند:

۱- ربای معاوضه‌ای

۲- ربای قرضی

آنچه در این گفتار مورد بحث قرار می‌گیرد، ربای قرضی است چون که یکی از بسترهای به وجود آمدن ربا در جامعه‌ی اسلامی، سودی است که در رابطه وام‌ها گرفته می‌شود.

دو علت موجب ربوی شدن قرض می‌گردد:

۱- قرض موجب زیاده و سودی بر اصل قرض باشد.

۲- این سود و زیادی از طرف وام دهنده شرط شده باشد و همانا نسبت بین این دو علت عام و خاص من وجه است که دارای دو وجه افتراق و یک وجه اشتراک می‌باشند اما وجه افتراق اول در جایی است که شرط به نفع وام گیرنده یا به ضرر وام دهنده یا به نفع شخص ثالث باشد به صورتی که نفعی به وام دهنده نرسد و وجه افتراق دیگر در جایی است که زیاده و نفع بدون شرط از طرف وام گیرنده و از روی رضایت خاطر به وام دهنده داده شود.

و اما وجه اشتراک در جایی است که وام گیرنده بنابر شرط قبلی به وام دهنده سود بپردازد، البته باید دانست که به واسطه کلمه‌ی زیادی بر قرض نباید قرض ربوی را در زیادی مالی و عینی منحصر کرد چون در بعض روایات کلمه نفع و شیء را به طور مطلق استعمال نمود:

✓ عن ابی عبدالله (علیه السلام) أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يُسَلِّمُ فِي بَيْعِ عَشْرِينَ دِينَاراً عَلَى أَنْ يُقْرِضَ صَاحِبَهُ عَشْرَةَ وَ أَمَّا أَشْبَهُ ذَلِكَ قَالَ : لَا يُصَلِّحُ ذَلِكَ لِأَنَّهُ قَرْضٌ يَجْرُ مَنْفَعَةٌ. در محضر امام صادق سوال شد از مردی که در بیعی ۲۰ دینار را به عنوان سلم به خریدار می‌دهد بنابر اینکه صاحب سلم ۱۰ دینار یا مانند آن را به او قرض دهد؟ حضرت فرمودند: این قرض صلاحیت ندارد چونکه قرضی است که منجر به منفعت و سود گردید. (نوری، ۱۴۱۵: ۳)

✓ عن ابی جعفر (علیه السلام) انه قال : كُلُّ قَرْضٍ جَرَّ مَنْفَعَةً فَهُوَ رِبَا. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده حضرت فرمودند : هر وامی که سودی جذب کند ریاست. (نوری، ۱۴۱۵: ۲)

از نظر دلیل‌های شرعی حرمت ربای قرضی از دو جهت قابل اثبات است:

۱. دلیل‌هایی که به طور مطلق، چه در معاملات و چه در قرض، حرمت ربا را بیان می‌کند: پس اگر ترک ربا نکردید، آگاه باشید که به جنگ خدا و رسولش برخاسته‌اید و اگر از این کار پشیمان شدید، اصل مال شما برای شماست؛ {نه زیاده} پس شما به کسی ستم نکرده و از کسی ستم نکشیده‌اید.

۲. روایاتی که آشکارا از شرط سود در قرض نهی کرده است:

کسی که پولی قرض می‌دهد، نباید {گرفتن} چیزی غیر از مثل مال خود را شرط کند. پس اگر وام‌گیرنده {به خواست خود} بدهی‌اش را به گونه‌ی بهتر بازپرداخت، {می‌تواند} از وی بپذیرد. هیچ یک از شما، {حتی} سوار شدن بر مرکبی و یا عاریه گرفتن کالایی را، ضمن قرض دادن پولش، شرط نکند. (شیخ طوسی، ۱۴۱۳: ۲۰۳)

حرام بودن شرط سود در قرض به قدری میان اصحاب آشکار بود که معمولاً اصحاب از حکم آن نپرسیده‌اند و بیش‌تر مصادیقی مانند مهمان شدن بر وام‌گیرنده (شیخ طوسی، ۱۴۱۳: ۱۷۲) و نظیر آن را مورد پرسش قرار داده‌اند.

البته این سود، که در فقه آن را "زیاده" می‌خوانند، می‌تواند به شکل عین و کالا باشد؛ یعنی افزایش کمی سرمایه‌ای که قرض داده شده است و یا افزایش کیفی آن مورد شرط قرار گیرد؛ برای مثال شرط شود که به جای کالای کهنه‌ی قرض داده شده، کالای نو بازگردانده شود. اولی را "زیاده‌ی عینیه" و دومی را "زیاده‌ی حکمیه" می‌نامند و هر دو در قرض حرام است. (امام خمینی، ۱۳۶۵: مسئله ۹)

موارد یاد شده نشان می‌دهد که هرگز نباید، ضمن قرارداد قرض، شرط سود مطرح شود. اگر چنین امری تحقق یابد، قرض درست است؛ ولی شرط باطل و حرام خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۶۵: مسئله ۱۳) یعنی وام‌گیرنده می‌تواند در آن چه قرض کرده تصرف کند و هنگام بازپرداخت، از دادن سود سرباز زند بی آن که، از نظر حقوقی و فقهی، وام‌دهنده حقی داشته باشد.

البته برای تشویق قرض‌دهندگان، تعیین جایزه اشکال ندارد. (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۸۳) در واقع این جایزه ضمن قرارداد قرض مطرح نمی‌شود و هیچ حقی برای قرض‌دهنده به ارمغان نمی‌آورد (عبداللهی، ۱۳۷۱: ۲۸۲) به ویژه اگر جایزه به صورت قرعه‌کشی (احتمالی) باشد.

موارد فوق به زمان انعقاد قرارداد ارتباط دارد؛ اما هنگام بازپرداخت، قرض‌گیرنده می‌تواند، افزون بر مال قرض گرفته شده، زیاده‌ی نیز به بستانکار بازگرداند. معصومان(ع) چنین عملی را پسندیده شمرده، به آن سفارش بسیار کرده‌اند. رسول خدا(ص) می‌فرماید: همانا بهترین مردم کسی است که بدهی‌اش را به نیکوترین وجه پرداخت کند. (احمد بن حنبل، ۱۳۸۹: ۵۰۹) بهترین قرض آن است که با خود سودی بیاورد. (شیخ کلینی، ۱۳۹۳: ۲۵۵)

نتیجه‌ی کلی این مطالب آن است که در "قرض حسن" وام‌دهنده نباید با هدف گرفتن سود قرض بدهد؛ ولی بهتر است وام‌گیرنده، هنگام بازپرداخت، داوطلبانه زیاده‌ی بر مال بیفزاید.

۳.۴. کارمزد

بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی میزان حداقل و حداکثر کارمزد قرض‌الحسنه را تعیین می‌کند. نرخ این کارمزد مطابق دستورالعمل بانکداری جمهوری اسلامی ایران حداقل ۲/۵ و حداکثر ۴ درصد است، با این شرط که این مبلغ از هزینه‌های تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه فراتر نرود (بیدار، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

۳.۴.۱. سازگاری تابعیت کارمزد از مبلغ اسمی وام با قیمت پول

تنها تفاوت فرمول محاسبه ی کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه با فرمول محاسبه ی سود ربوی، تغییر نام نرخ بهره در بانکداری ربوی به نرخ کارمزد در بانکداری بدون رباست. آن چه مشهود به نظر می‌رسد، آن است که عوام در بازار، چنین محاسبه‌ای برای تعیین کارمزد خودشان ندارند، لذا این تغییر نام مشکلی را حل نمی‌کند (بیدار، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

۳.۴.۲. تعیین حداقل کارمزد

از آن جا که ممکن است مبلغ کارمزد حقیقی، پایین‌تر از مبلغی باشد که به عنوان حداقل کارمزد در نظر گرفته می‌شود، لذا تعیین میزان حداقل کارمزد که در قانون عملیات بانکی معادل ۲/۵ درصد است، قابل قبول نمی‌باشد (بیدار، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

۳.۴.۳. عدم تغییر نرخ کارمزد در شرایط مختلف

نرخ کارمزد بایستی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف منعطف بوده و لزومی بر ثبات آن در شرایط مختلف وجود ندارد، لذا ثبات نرخ کارمزد قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور نشانه ی غیرحقیقی بودن این نرخ می‌باشد (بیدار، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۰۴).

۳.۵. آداب قرض‌الحسنه

آداب قرض را می‌توان در دو بخش بیان کرد:

۱- آداب زمان انعقاد قرض.

۲- آداب زمان بازپرداخت قرض.

البته در هر بخش، تعدادی از آداب به قرض‌دهنده اختصاص دارد، شماری تنها به قرض‌گیرنده مربوط می‌شود و برخی میان آن‌ها مشترک است.

۳.۵.۱. آداب زمان انعقاد قرارداد قرض

۱- قرض‌گیرنده، نباید با هدف عدم بازپرداخت بدین امر دست یازد. آن که چنین هدفی داشته باشد، در روایات سارق شمرده شده است. در این فرض، ممکن است، عقد قرض باطل و وام‌گیرنده در مال قرضی حق تصرف نداشته باشد. امام صادق (ع) فرمود: کسی که قرض کند و هدفش نپرداختن باشد دزد خواهد بود. (عاملی، ۱۹۵۲: ۸۳)

۲- نظر اسلام آن است که، برای جلوگیری از هرگونه اختلاف احتمالی، هنگام انعقاد قرارداد سندی نوشته شود تا در صورت نزاع، ملاک قضاوت قرار گیرد. (ر.ک: قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، ص ۵۶) تفسیر نمونه، در ذیل آیهی ۲۸۲ سورهی بقره، در مورد این سند به نکات زیر اشاره می‌کند: برای این که جلب اطمینان شود و قرارداد از مداخله‌های احتمالی طرفین سالم بماند، باید نویسنده شخص سومی باشد. البته این امر در صورتی لازم است که اطمینان کامل در میان نبوده، احتمال تحقق نزاع در آینده وجود داشته باشد. نویسنده باید عین واقع را بنویسد، از نوشتن قرارداد شانه خالی نکند و در این امر اجتماعی یاور طرفین معامله باشد. البته قبول نوشتن وجوب عینی ندارد. هنگام نگارش، قرار داد باید از سوی بدهکار نوشته شود؛ زیرا همواره امضای اصلی در اسناد، امضای بدهکار است. از این رو، قراردادی که به اعتراف و املای او نوشته شود، مدرکی است که جای هیچ انکاری برایش باقی نمی‌گذارد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۸۶)

۳.۶. آداب زمان بازپرداخت قرض

اسلام بر بازپرداخت بدهی بسیار تأکید می‌کند؛ به گونه‌ی که پیامبر اکرم(ص) بر پیکر مسلمانی که دو دینار بده کار بود، تا زمانی که فردی بازپرداخت بدهی‌اش را به عهده نگرفت، نماز نگذارد. (مجلسی، ۱۳۷۰: ۵۱۷) بر اساس روایات، همه‌ی گناهان شهید مورد بخشش قرار می‌گیرد، جز بدهکاری‌اش که تا زمان پرداخت همچنان مانع ورودش به بهشت می‌شود. (مجلسی، ۱۳۷۰: ۵۲۰) در صورت وجود قدرت مالی، تعلل در بازپرداخت بدهی، گناه شمرده می‌شود (امام خمینی، ۱۳۶۵: مسئله ۱۷) اگر وقت نمازهای پنج‌گانه تنگ نباشد، باید بازپرداخت بدهی را بر اقامه‌ی نماز مقدم کرد. (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۸۰) اگر در زمان انعقاد قرارداد، وقت معینی برای بازپرداخت شرط گردد، پس از مرگ بدهکار، شرط یاد شده بی‌اثر می‌شود و باید بدهی‌اش از ارث جدا و پرداخت گردد. (امام خمینی، ۱۳۶۵: مسئله ۶) وجود چنین فرهنگی، خطر عدم بازپرداخت وام را کاهش می‌دهد و سبب می‌شود برای بازپس‌گیری قرض به سازمان‌های پیچیده نیاز نباشد. وام‌دهنده می‌تواند هنگام انعقاد قرارداد مالی راه، به عنوان رهن یا وثیقه، از وام‌گیرنده دریافت کند. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۴۴)

باتوجه به مطالب گذشته، وام‌گیرنده در پی آن است که بدهی‌اش را در نخستین فرصت پرداخت کند؛ ولی گاه موفق نمی‌شود. در فقه به فردی که توانایی بازپرداخت ندارد، "معسر" گفته می‌شود. حدّ این ناتوانی آن است که تنها به اندازه‌ی تأمین نیازهای خود و خانواده‌اش در آمد داشته باشد. (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۴۲۷) در این صورت، قرآن کریم و روایات وام‌دهنده را به شکیبایی و دادن فرصت فزون‌تر به بدهکار دعوت می‌کند. وام‌دهنده می‌تواند وام خود را در اقساط معین دریافت کند، (متقی هندی، ۱۴۱۳: ۲۴۹) یا اگر زکاتی بر او واجب شده است، برابر با مقدار قرض،

خود را از پرداخت آن معاف سازد (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۴۲۷) و یا اگر زکات واجبی ندارد، مشکل خود را با دولت اسلامی در میان نهد تا دولت از درآمد زکات طلبش را پرداخت کند. (عاملی، ۱۹۵۲: ۹۱) در آینده، به تبیین بیش‌تر این مسئله خواهیم پرداخت. البته در همه‌ی این فرض‌ها، قرض‌دهنده می‌تواند داوطلبانه از طلبش بگذرد و آن را از صدقات مستحب خود به شمار آورد.

در مطالبه‌ی دین، وام‌دهنده باید شأن و شخصیت قرض‌گیرنده را محترم شمارد و از سخت‌گیری بپرهیزد. بخشی از دارایی‌های بدهکار، مانند خانه و وسیله‌ی نقلیه از موارد استثنا شمرده می‌شود و نمی‌توان، هنگامی که وام‌گیرنده از پرداخت بدهی‌اش باز می‌ماند، در آن‌ها تصرف کرد. (صبعی‌العالمی، ۱۴۱۰: ۴۳)

افزون بر این، امامان معصوم (ع) پیروانشان را چنان آموزش می‌دادند که وقتی بدهکار در حال طواف خانه‌ی خداست، در پی گرفتن طلب برنیابند.

یکی از آداب پسندیده، در زمان بازپرداخت، آن است که وام‌گیرنده، بدهی‌اش را به نیک‌ترین گونه‌ی می‌تواند، پرداخت کند. در روایات می‌خوانیم:

بهترین مردم کسی است که بدهی‌اش را به بهترین وجه پرداخت کند. (متقی‌هندی، ۱۴۱۳: ۲۵۰)

تاریخ نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) نیز، هنگام پرداختن بدهی‌هایش، بدین سنت پسندیده عمل می‌کرد. (متقی‌هندی، ۱۴۱۳: ح ۱۵۵۶۰-۱۵۵۵۸) این آداب بر این حقیقت که قرض برای تعاون میان افراد اجتماع تحقق می‌یابد، گواهی می‌دهد. بنابراین، تهیه‌ی سند لازم است؛ زیرا از اختلافات آینده پیش‌گیری می‌کند. دهندگان و گیرندگان وام، هر دو گروه، باید در این رفتار اجتماعی راه انصاف، نیکی و مهربانی پیش‌گیرند تا تعاون استمرار یابد و همه از برکات مادی و معنوی آن بهره‌مند شوند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در صدر اسلام مردم چنین بودند. (مجلسی، ۱۳۷۰: ۵۴۵)

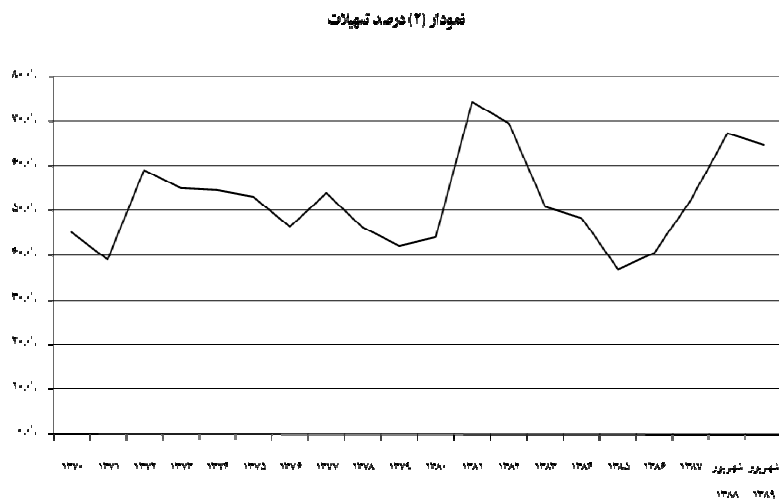
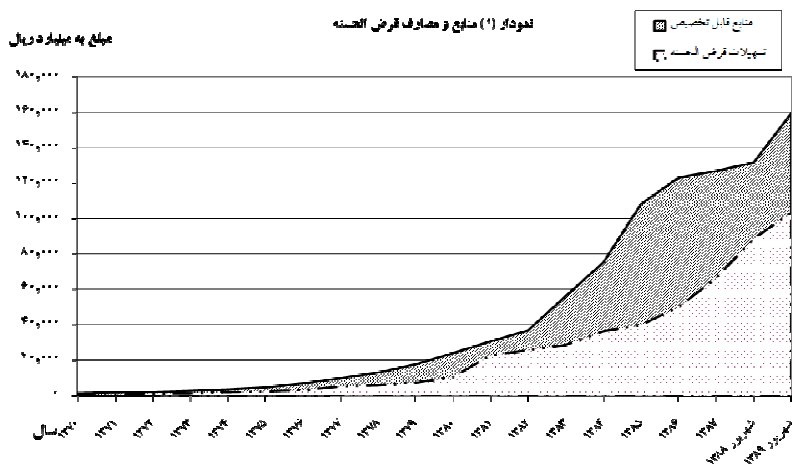
این آداب، یکی از اصلی‌ترین مشکل قرض، یعنی عدم اطمینان وام‌دهندگان را از میان می‌برد و عرضه‌ی قرض را فزونی می‌بخشد.

۳.۷. منابع و مصارف قرض‌الحسنه

نمودار ذیل منابع قابل وام‌دهی و مصارف قرض‌الحسنه بانکی را از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۹ نشان می‌دهد.

آنچه از نمودار قابل دریافت است، آن است که بایستی نرخ ذخیره قانونی ۱۰٪ و نرخ ذخیره نقدینگی ۱۰٪ بایستی برای کل سپرده قرض الحسنه در نظر گرفته شوند و همه این منابع، قابل استفاده برای تسهیلات (خطیب و خانجمالی، ۱۳۹۳، ۴-۶).

نمودار زیر درصد وام‌دهی قرض الحسنه از منابع قرض الحسنه را نشان می‌دهد.



براساس نمودار فوق، بانک‌ها در طول ۲۰ سال گذشته به‌طور متوسط تنها در حدود ۵۵٪ از منابع قرض‌الحسنه خود را به تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص داده‌اند.

۳.۸. راه‌کارهای افزایش کارایی بانک‌های قرض‌الحسنه

۱- یکی از روش‌های جذب مشتریان پایدار و بلندمدت برای بانک، ارتقای سطح کیفی خدمات بانکی است که در این میان، خدمات بانکداری الکترونیک بسیار حائز اهمیت است.

۲- سیستم بازاریابی مناسب، هدفمند و متناسب با بانکداری قرض‌الحسنه، دومین راهکار افزایش کارایی بانک‌های قرض‌الحسنه است. از عوامل موفقیت بانک‌های قرض‌الحسنه می‌توان به تمرکز بر افراد معتقد و خیر، ایجاد اعتماد، ایجاد خدمات نوین و تمرکز بر ویژگی‌های خاص بانک قرض‌الحسنه اشاره کرد.

۳- پوشش بیمه «مانده بدهکار» که به منظور تعهد بازپرداخت وام در بانک‌ها و موسسات مالی تهیه و ارائه شده است از جمله روش‌هایی است که موجب ارتقای سطح اعتبار اشخاص نزد بانک شده و ورود بیمه به این تسهیلات، ریسک بانک را کاهش می‌دهد. این بیمه نامه در وام‌هایی که به اقساط مستهلک می‌شوند، اگر بیمه‌شده قبل از پایان مدت وام فوت شود، بدیهی است که پرداخت بقیه اقساط به عهده بازماندگان قرار می‌گیرد. در بیمه عمر مانده بدهکار، بیمه‌گر متعهد می‌شود که در صورت فوت وام‌گیرنده در هر زمان از دوره بازپرداخت وام، مابقی تعهدات وام وی را به بانک یا موسسه مالی مورد نظر بپردازد. بیمه تسهیلات قرض‌الحسنه نیز می‌تواند از دیگر راه‌کارهای افزایش کارایی تخصیصی سپرده‌های قرض‌الحسنه باشد (خطیب و خانجمالی، ۱۳۹۳: ۸).

نتیجه‌گیری

۱- قرض‌الحسنه در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، معنایی جامع دارد که شامل قرض‌الحسنه فقهی نیز می‌شود؛ زیرا از منظر قرآن کریم هر کار خیری که انسان برای خدا انجام دهد، قرض‌الحسنه برای اوست.

۲- وام دهنده، بی‌آن که در پی سود باشد، مدتی از تصرف در مال خویش چشم می‌پوشد. وی می‌تواند این رفتار اقتصادی را به انگیزه‌های اخروی، اخلاقی، معنوی، نوع دوستی، پس انداز و جایزه انجام دهد.

۳- نیازمند بودن وام‌گیرنده، در قرض‌الحسنه اصلی مهم است. روایات، قرض‌گرفتن بدون نیاز و اضطراب را ناپسند می‌دانند چرا که برخلاف منش و عزت نفس انسانی است.

- ۴- حرمت ربا از احکام تردید ناپذیر اسلام و بلکه همه‌ی ادیان آسمانی است. ربای قرضی یکی از انواع ربا شمرده می‌شود. در ربای قرضی، وام دهنده، مال خود را به شرط دریافت سود قرض می‌دهد.
- ۵- آداب قرض را می‌توان در دو بخش بیان کرد: آداب زمان انعقاد قرض و آداب زمان بازپرداخت قرض.
- ۶- آداب زمان انعقاد قرارداد قرض عبارتند از: قرض‌گیرنده، نباید با هدف عدم بازپرداخت بدین امر دست یازد؛ هنگام انعقاد قرارداد سندی نوشته شود تا در صورت نزاع، ملاک قضاوت قرار گیرد.
- ۷- آداب زمان بازپرداخت قرض: اسلام بر بازپرداخت بدهی بسیار تأکید می‌کند؛ در مطالبه‌ی دین، وام دهنده باید شأن و شخصیت قرض‌گیرنده را محترم شمارد و از سخت‌گیری بپرهیزد.
- ۸- تفاوت قرض با بیع: در بیع دو مال، به عنوان مبیع و ثمن با هدف جستن سود، با هم مبادله می‌شود؛ ولی در قرض، وام‌گیرنده پیمان می‌بندد که خود مال یا بدل آن را به وام دهنده بپردازد.
- ۹- تفاوت قرض و شرکت: در قرض وام‌گیرنده باید عین یا مثل یا قیمت را بازگرداند و سود و زیان او در این تعهد بی‌تأثیر است؛ ولی در شرکت پس از پایان زمان شراکت، سود یا زیان محاسبه می‌شود، شریک سهم خود را برمی‌دارد و باقی مانده را به صاحب مال بازمی‌گرداند.
- ۱۰- تفاوت قرض و ودیعه: در ودیعه هیچ انتقالی در آن مشاهده نمی‌شود و امانت‌دار باید اصل مال را به صاحبش بازگرداند.
- ۱۱- تفاوت قرض و عاریه: در عاریه مالکیت عاریه دهنده محفوظ است و به عاریه‌گیرنده تنها اجازه استفاده از ملک داده می‌شود.
- ۱۲- تفاوت قرض و اجاره: در اجاره انتقال ملکیت تحقق نمی‌یابد و موجر تنها متعهد می‌شود مورد اجاره را برای بهره‌گیری در اختیار بگذارد.

پیشنهادات

- ۱- امتناسب بودن بعضی از ابزارهای به کار گرفته شده با ماهیت قرض‌الحسنه در تشکیلات کنونی مرتبط با قرض‌الحسنه، ما را باید متوجه استفاده از ابزارهای جایگزینی کند که این ابزارها کارآمدی لازم را از جهت کیفیت و کمیت فراهم آوری منابع و تخصیص بهینه آن‌ها را براساس ارکان اصلی قرض‌الحسنه دارا باشد.
- ۲- عدم وجود یک نهاد مستقل به عنوان متولی اصلی قرض‌الحسنه در کشور و عدم سنخیت فعالیت‌های سودآور بانکی با ذات نهاد قرض‌الحسنه که موجب عدم اعتماد کامل مردم به بانک‌ها جهت سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه نیز شده است، از جمله موانع پیش رو جهت توسعه فرهنگ

قرض الحسنه در کشور می‌باشد که می‌توان جهت رفع این مشکل، با توجه به سابقه نهادهای متولی امر قرض الحسنه در کشور، یکی را به عنوان متولی اصلی برگزید و سایرین یا به عنوان زیرمجموعه فعالیت کنند و یا به طور کلی در امر قرض الحسنه فعالیت نداشته باشند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیمی، محمد حسین، (۱۳۷۲)، ربا و قرض در اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۳. بیدار، محمد، (۱۳۹۱)، بررسی کارمزد قرض الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی، معرفت اقتصاد اسلامی، سال ۴، شماره ۱، پائیز و زمستان ۱۳۹۱.
۴. توحیدی نیا، ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، جذب سپرده قرض الحسنه به کمک ابزار مالی اسلامی (صکوک)، تحقیقات مالی - اسلامی، سال ۱، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، تسنیم، قم، نشر اسراء.
۶. حنبل، الامام أحمد، (۱۳۸۹)، المسند، بیروت، المكتب الاسلامی.
۷. خطیب، علیرضا و خانجمالی، حسن (۱۳۹۳)، پیامدهای اقتصادی بانکداری قرض الحسنه: بررسی کارایی تخصیص منابع قرض الحسنه با توجه به مفاد دستورالعمل اجرایی و ارائه راه کارهای پیشنهادی، قابل دسترس از:
<http://rqbank.ir/Upload/Modules/Contents/asset0/khanjamali4.docx>.
۸. خمینی، روح الله، (۱۳۶۵)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی.
۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات قرآن، بیروت، دارالقلم.
۱۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه القمی، (۳۸۱)، من لایحضر الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد، (۱۴۰۰)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۲. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد، (۱۴۱۳)، تهذیب الاحکام، بیروت، دارالاضواء.
۱۳. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۳)، الکافی، تهران، دارالثقلین.
۱۴. صبعی العاملی، زین الدین، (۱۴۱۰)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، انتشارات داوری.
۱۵. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۹۳)، المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۱۶. طبرسی، مقتل بن الحسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو.
۱۷. عاملی، محمد بن الحسن الحر، (۱۹۵۲)، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۸. عبداللهی، محمود، (۱۳۷۱)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۹. عسگری، علی، (۱۳۶۹)، بررسی نقش و اثرات صندوق‌های قرض‌الحسنه و جایگاه آن‌ها در سیستم پولی و بانکی کشور، رساله کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر اکبر کمیجانی، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲۰. قربانچی، حسین السیدعلی، (۱۳۶۵)، شرح رساله‌ الحقوق امام سجاد(ع)، قم، اسماعیلیان.
۲۱. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. کمیجانی، اکبر و هادوی نیا، علی اصغر، (۱۳۷۷)، درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن، نامه مفید، سال ۴، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۷.
۲۳. متقی هندی، علی، (۱۴۱۳)، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۳)، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۷۰)، مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، (۱۳۷۰)، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت(ع).
۲۷. محقق نیا، محمد جواد، (۱۳۸۸)، بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، معرفت اقتصاد اسلامی، سال ۱، شماره ۱، پائیز و زمستان ۱۳۸۸.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. موسویان، سید عباس، (۱۳۸۳)، طرحی برای ساماندهی صندوق‌های قرض‌الحسنه، اقتصاد اسلامی، سال ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۳.
۳۰. نجفی، محمدحسن، (۱۳۹۴)، جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. نراقی، محمد مهدی، (۱۳۷۷)، جامع السعادات، تهران، انتشارات حکمت.
۳۲. نوری، میرزا حسین، (۱۴۱۵)، خاتمه‌ مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت.
۳۳. هادوی نیا، علی اصغر، (۱۳۷۶)، درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن، رساله کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر اکبر کمیجانی، دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید(ره).
۳۴. هادوی نیا، علی اصغر، (۱۳۷۸)، قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.